

**ریاست علوم بر عهده فلسفه است، نه عرفان**

استاد حوزه علمیه ضمن تأکید بر اهمیت فلسفه و تعقل تصریح کرد:



استاد حوزه علمیه ضمن تأکید بر اهمیت فلسفه و تعقل تصریح کرد: محور همه علوم فلسفه است چون فلسفه تنها علمی است که بر اساس تعقل پیش می‌رود و زیربنایش عقل و استدلال عقلی است.

ریاست علوم برای فلسفه است، نه عرفانه گزارش خبرنگار ایگنا، آیین افتتاحیه دفتر انجمن علمی فلسفه اسلامی تهران، صبح امروز ۲۱ خرداد در مرکز آموزش عالی حوزوی امام‌رضا(ع) برگزار شد.

در این نشست آیت‌الله حسن‌رمضانی؛ استاد فلسفه و عرفان حوزه علمیه سخنرانی کرد و گفت: گرچه علوم به سه قسم معقول و منقول و مشهود تقسیم می‌شوند اما آن علمی که هم ارزش نفسی دارد و هم ارزش جمعی، علم معقول است چون منقول تا معقول نشود مقبول نمی‌افتد و مشهود نیز تا بر پایه استدلال و نظر و عقل استوار نباشد قابل پذیرش نیست. به عبارتی مشهود محکوم به معقول است چون کسی که شهود کرده است یک تجربه شخصی است که برای خودش صورت گرفته و برای دیگران حجت نیست، درست مثل منقول چون منقول چیزی است که نقل شده است.

وی ادامه داد: اعمال ما یا تعبدی است یا توحلی ولی می‌توان اینطور گفت تا تعبد جنبه تعقل پیدا نکند ارزش به حساب نمی‌آید. تعبدی که مبنا نداشته باشد و نتوانیم از مبنا عقل از آن دفاع کنیم یک تقلید بی ارزش است. هرچند تعبد است اما همین تعبد تا از پایگاه عقل تایید نشود و جنبه عقلانی پیدا نکند قابل دفاع نیست و صرف تقلید آبا و امهات است که خالی از منطق و استدلال است لذا محور همه علوم فلسفه است چون فلسفه تنها علمی است که بر اساس تعقل پیش می‌رود و زیربنایش عقل و استدلال عقلی است. بنابراین ریاست علوم را باید به فلسفه بدهیم.

وی افزود: آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند ریاست علوم با عرفان است ولی عرض من این است که ریاست با فلسفه و استدلال و عقلانیت است و تا این علم برای عرفان راه باز نکند راه مسدود است. در فلسفه از وجود بماهو موجود بحث می‌شود. هر موجودی را در نظر بگیریم وجود یا عین ذات او است یا عارض بر ذات او است. اگر وجود عین ذات موجود بود یعنی حق و این موضوع علم عرفان است. بنابراین فیلسوف باید این موضوع را تحویل عرفان بدهد و از عارف بخواهد از این موجود بحث کند. بنابراین هرچند علوم به سه قسم معقول و منقول و مشهود تقسیم می‌شوند ولی گل سرسبد همه اینها به عنوان راهگشا و مبنا دهنده به دیگران فلسفه و معقول و علوم عقلی است.

استاد فلسفه اسلامی ادامه داد: همانطور که حکمت نظری مهم است حکمت علمی هم مهم است. ما باید مسائل خانه و خانواده را و مسائل اجتماع را بر اساس حکمت بنیان کنیم. آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند عقل حکم ندارد و فقط چراغ راه است بلکه حکم فقط برای خدا است. بنده خدمت ایشان عرض کردم شنیدن این حرف از شما عجیب است که می‌فرمایید عقل، حکم ندارد. مگر می‌شود عقل حکم نداشته باشد؟ پس چرا حکمت را به نظری و عملی تقسیم می‌کنید. حکمت علمی یعنی فهم باید و نباید، حکمت نظری یعنی فهم بود و نبود. مگر می‌شود عقل در فضای بایدها و نبایدها حکم نداشته باشد؟ الان در کشورهای سکولار که دین ندارند بر چه اساسی حکم می‌کنند؟ طبیعتاً بر اساس عقل بشری حکم می‌کنند پس نمی‌توان گفت عقل حکم ندارد. عقل فهمی است که به دنبال آن عمل و پابندی هست. ما می‌فهمیم و پس از فهم، عقل دستور می‌دهد. مثلاً الان بگویند اینجا یک افعی خطرناک هست همه حواسشان جمع می‌شود و فرار می‌کنند. حکم به فرار از ناحیه عقل است یا از ناحیه شرع؟ قطعاً از ناحیه عقل است.

رمضانی در پایان گفت: این نکته را هم عرض کنم که برخی می‌گویند مولوی گفته پای استدلالیون چوبین بود، پای چوبین سخت بی‌تمکین بود؛ این صحیح نیست. مولوی در اینجا داستان ستون مسجد حنانه را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد کسانی که این مسئله را نفهمیدند شک و تردید دارند و بر اساس استدلال‌های ظنی منکر این مسئله می‌شوند. بنابراین فضای بحث مولوی این است و او منکر تعقل و استدلال نیست.

جان مایه مباحث فلسفه اسلامی در قرآن و سنت

در ادامه این نشست آیت الله محمدباقر تحریری؛ تولیت مدرسه علمیه مروی سخنرانی کرد و گفت: بنده حول چند مسئله مطالبی عرض می‌کنم؛ مسئله اول و اصلی این است که جان مایه مباحث فلسفی و بالخصوص حکمت متعالیه در متن قرآن و سنت آمده است و ملاصدرا نیز به این حقیقت اذعان کرده است. اساس مباحث فلسفی بر اساس حقیقت وجود انسان که جنبه عقلانیت انسان است شکل می‌گیرد و ما در بیانات اولیای مان درباره جایگاه عقل بیانات بسیار بالایی داریم. آیات قرآن کریم هم مملو از این حقایق است. خدای متعال گاهی در راستای عنوان عقل، معارفی را مطرح می‌فرماید، گاهی با عنوان «اولوا الالباب» چنانکه در آیات آخر سوره آل عمران هم معارف بلند نظری را بیان می‌کند و هم معارف بلند عملی را.

ریاست علوم برای فلسفه است، نه عرفان

وی افزود: باید حکمت نظری و عقل نظری در زندگی ما در ابعاد مختلف جریان پیدا کند؛ در اعمال معنوی، در اعمال اجتماعی، در اعمال سیاسی. لذا خدای متعال بر عنوان اولوا الالباب چقدر آثار مترتب فرموده است. اگر ما با دید عقلانی به خود و عالم و رابطه خود و عالم با حق مطلق و آنچه از ناحیه او تنزل پیدا کرده و تحقق پیدا کرده ننگریم در هر سمت و مرحله ای باشیم اعمی خواهیم بود. اولوا الالباب با این مرحله از علم که در مغز وجودی شان تجلی پیدا کرده، در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی همه را بر اساس حق قرار می‌دهند. همچنین خدای متعال گاهی تحت عنوان حکمت، معارف گوناگون عقلی را مطرح می‌فرماید. مضاف بر آن خطابات امیرالمومنین(ع) سرشار از معارف بلند عقلی است که باید با براهین عقلی تبیین شود. خطبه های توحیدی حضرت را بدون داشتن مقدمات عقلی چگونه باید تحلیل کنیم.

تحریری اشاره کرد؛ به عنوان نمونه دیگر امام رضا(ع) عمیق ترین معارف توحیدی را در مناظره با رهبران ادیان مطرح می‌کنند و بیانات حضرت روی دست کسانی که وارد بحث وحدت شخصیه می‌شوند، می‌زند. در پایان به یک دسته از آیات قرآنی اشاره می‌کنم که این دسته از آیات ما را هم به حکمت نظری توجه می‌دهد و هم به حکمت علمی. در سوره اسراء بحث حکمت را مطرح می‌کند. حکیم کسی است که پیوند عقلانی با عالم غیب مطلق داشته باشد و همه شئون زندگی و هستی را از عالم غیب مطلق بگیرد و پیاده کند. این دسته از آیات هم اولش از توحید شروع می‌شود و هم آخرش به توحید ختم می‌شود. ماهیت فلسفه مضاف هم باید همین باشد هم از عقلانیت سرچشمه بگیرد و هم ما از این منبع غنی که معارف قرآن و سنت باشد بهره کافی و وافی بگیریم.

پنج نوآوری حوزه حکمی تهران

در ادامه نشست حجت الاسلام و المسلمین عسکر دیرباز؛ رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران سخنرانی کرد و گفت: حوزه حکمی تهران در پنج زمینه بسیار کوشا بوده و می‌شود گفت نوآور بوده است. به این پنج زمینه به اختصار اشاره می‌کنم. کار اولی که بزرگان در دوران خودشان انجام دادند مواجهه صحیح و منطقی با اندیشه های جدید غربی بوده است. در حوزه قدیم تهران وقتی بحث تکامل داروین مطرح می‌شود بزرگان آن روزگار تلاش می‌کنند با ترجمه های عربی کتاب اصلی داروین آشنا شوند و روی این فلسفه کار کنند و بتوانند ایراداتی که به نظریه تکاملی داروین وارد است مطرح کنند و در محدوده ای که این نظریه مطرح شده پاسخگو باشند.

وی افزود: وقتی بحث مارکسیسم مطرح شد سیطره وسیعی در دنیا پیدا کرد و این حوزه حکمی تهران بود که با آن مواجهه منطقی کرد و ایرادهای آن فلسفه را بنا کرد. بنابراین رویکردی که حوزه تهران از آن زمان داشته رویکرد مواجهه منطقی با اندیشه های غربی بوده که به جامعه ما سرایت پیدا کرده. الآن مرزی برای اندیشه ها وجود ندارد و اندیشه های جدید به فضای فکری جامعه سرایت پیدا می‌کند و ما باید با تاسی به این رویکرد یکی از اهداف انجمن را همین قرار دهیم که در این زمینه تلاش کند و عرصه هایی را برای مواجهه دقیق فکری برای خودش ترسیم کند.

دیرباز ادامه داد: مورد دوم دفاع در برابر حمله به فلسفه اسلامی است. وقتی افرادی با فلسفه جدید غربی آشنا شدند به خیالشان آمد فلسفه جدید غربی برتری دارد و از آن موضع به فلسفه اسلامی حمله کردند. اینجا بود که باز بزرگان حکمت به دفاع از فلسفه اسلامی پرداختند و این مسیر را به عنوان یک وظیفه در دفاع از فلسفه اسلامی برشمردند تا استحکام فلسفه اسلامی را نشان دهند. مورد سوم این بود گاهی در دفاع از فلسفه اسلامی، فیلسوف ما تقریر جدیدتر یا استدلال قوی تری در تبیین مباحث فلسفه ارائه می‌کردند. مثلاً ما ادله ای برای تجرد نفس داریم. به نظر می‌رسد بازبینی در ادله تجرد نفس لازم است تا دلیل خاص مثبت تجرد نفس را تقریر کنیم که بتواند پاسخگوی دیدگاه های فلسفه ذهن هم باشد. پس این طور نیست همان که ملاصدرا گفته، همان باشد بلکه فلاسفه در تکامل فلسفه صدرا تلاش کردند.

وی تصریح کرد: مورد چهارم تاسیس مباحث تطبیقی فلسفه است. حکمای تهران دیدند در برخی مباحث فلسفی می توان کار تطبیقی انجام داد. مقایسه مدعای یک مسئله و لوازم و پیامدهایی که می تواند آن مدعا داشته باشد فضای جدیدی را به نام فلسفه تطبیقی به روی فیلسوفان اسلامی گشود که الآن هم پویا و زنده است و بسیار کار لازمی است که در این زمینه قوت فلسفه اسلامی را نشان دهیم.

وی در پایان گفت: نکته آخر تصحیح و کتابشناسی کتب قدیم است. تصحیح در حوزه های ما یک فن است و الآن افرادی هستند که در تصحیح نسخ فعالیت می کنند. من به اختصار پنج رویکرد را عرض کردم و نتیجه ای که می خواهم بگیرم این است که انجمن فلسفه اسلامی این پنج رویکرد را که از قبل بوده با قوت ادامه دهد و این پنج ابتکاری که حکمای تهران در پیش گرفتند و در این مسیر تلاش کردند، در انجمن فلسفه اسلامی راه اندازی کنیم. الآن در دانشگاه های تهران اساتید فلسفه فراوان است. کجا بهتر از انجمن فلسفه که این اساتید را سالی یکبار دور هم جمع کند تا آثار پژوهشی خود را مطرح کنند.